

مادر و پرورش فرزند از منظر فقه و تربیت اسلامی

محمد احسانی^۱

چکیده

مقاله حاضر به منظور تبیین نقش مادر در تربیت فرزند از منظر فقه و تربیت اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی در فضای کتابخانه‌ای تدوین شده است. هدف عمده مقاله آگاه‌سازی مادران از نقش تربیتی آنان قبل و بعد از تولد در پرورش فرزند است که با استفاده از منابع جدید علوم تربیتی و متون دینی به انجام رسیده است. فقه و تربیت اسلامی به‌خوبی وظایف مادران را در پرورش فرزندان بیان و روشن کرده است که مادران با مراجعه به آن بیانات، می‌توانند افراد شایسته‌ای را تربیت کرده و تحویل جامعه دهند. در مجموع مادر پیش از به دنیا آمدن فرزند، می‌تواند زمینه مناسبی را برای تربیت روحی و معنوی او فراهم سازد. چه این که آغاز شخصیت انسان از همان دوران جنینی شکل می‌گیرد و نوع تغذیه، رفتار و حالات روحی و روانی والدین و به‌خصوص مادر تأثیر بسزایی در چگونگی تربیت فرزند دارد. بعد از تولد نقش مادر در تربیت فرزند بیش از گذشته روشن است و می‌تواند صفات برجسته‌ای همانند عزت نفس، اخلاق نیکو، تعهد دینی و مذهبی، خودباوری، احترام به دیگران و... را در او ایجاد و تقویت کند.

واژگان کلیدی: مادر، فرزند، کودک، پرورش، فقه، تربیت اسلامی.

۱. گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

مقدمه

در فقه و متون اسلامی دستورالعمل‌های مهمی در تربیت فرزند و عوامل مؤثر در آن، وارد شده است که عمل به آن در پرورش دینی و اخلاقی فرزندان تأثیر بسزادارد. برخورد مادر با فرزند و نحوه رفتار او با وی، همچنین تربیت عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزند در بسیاری از آیات و روایات و سیره معصومین^(ع) به نحو مطلوبی بیان شده و در هر مورد راهکارهای مناسبی نیز ارائه شده است که توجه به آن‌ها در چگونگی تربیت اولاد بسیار مفید است.

این نوشتار سعی دارد، نقش مادر را در تربیت دینی فرزندان در فقه و تربیت اسلامی بر اساس آیات و احادیث معصومان^(ع) بررسی و دیدگاه فقه اسلامی را در این زمینه تبیین نماید. چراکه مادر از منظر اسلام جایگاه بس والایی در خانواده و اجتماع دارد و نقش او در پرورش فرزند بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. مسئله‌ای که با آن روبه‌رو هستیم، عدم توجه بسیاری از مادران به وظایف مادری و ایفای نقش خود در تربیت فرزند است. زندگی امروزی به گونه‌ای است که مادران را از انجام مسؤولیت‌های اصلی بازداشته و به کارهای فرعی وادار می‌سازد. در نتیجه فرزندان رشد یافته در محیط خانواده‌هایی که چنین زنانی سکان‌دار آن هستند، نیز چندان آشنایی با فقه و تربیت اسلامی ندارند. از اینجا، در اثر ورود این گونه فرزندان به جامعه، وقوع جرم روبه افزایش می‌گذارد و ادامه این روند قطعاً به ضرر جامعه اسلامی خواهد بود.

اینک سوال اصلی این است که نقش مادر در تربیت دینی فرزند چیست؟ سوال‌های فرعی مترتب بر آن قابل طرح است که قلمرو نقش‌آفرینی مادر در پرورش فرزند چقدر است؟ مختص به حیطه رفتاری است؟ یا حیطه‌های شناختی و عاطفی را نیز در برمی‌گیرد؟ عمده هدف مقاله، ضمن پاسخ به سوال‌های یادشده، آگاه‌سازی مخاطبان از نقش مادر در تربیت فرزند، به‌ویژه از منظر فقه و تربیت اسلامی است و اینکه مادران چه اندازه در تربیت صحیح فرزندان تأثیرگذارند و با چه شیوه‌هایی می‌توانند، انسان‌های مؤمن و شایسته‌ای را پرورش داده، تحویل جامعه دهند.

۱. مفهوم شناسی

مفاهیم اصلی به کاررفته در موضوع تحقیق عبارت‌اند از فقه، احکام فقهی، کودک، تربیت، تحلیل تربیتی. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آن‌ها در آغاز بحث ضروری است. چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی‌توان مسیر درستی را در پژوهش انتخاب کرد و به نتایج مطلوب دست یافت. از این رو، در این قسمت از نوشتار به شناسایی و تعریف واژگان اساسی به کاررفته در این تحقیق اشاره می‌شود. بدین وسیله هم بیان و ارائه مباحث به مخاطبان آسان‌تر و هم فهم مطالب برای خوانندگان راحت‌تر می‌گردد.

۱-۱. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن (موسوعة الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۷) و در اصطلاح علم اصول، علم به احکام شرعی است که این احکام وظایف عملی انسان را معین می‌کند. منظور از فقه همین معنای اصطلاحی است که متکفل تبیین احکام شرعی به صورت فتوا برای مکلفین است که به وسیله فقها بیان شده است (گرجی، ۱۳۷۷، ص ۷). به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان، به نحوی که برای انسان علم به وظیفه حاصل شود (مطهری، بی‌تا، ص ۵۴).

در قرآن کریم هم فقه به همین معنا به کاررفته است: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه، ۱۲۲)؛ باید بعضی از شما تفقه در دین کنند، یعنی احکام دین و حلال و حرام الهی را بفهمند تا برای دیگران بیان نمایند. منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های دلایل اثبات‌کننده آن، یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع (جمال‌الدین، ۱۳۶۵، ص ۲۶). فقیه در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که احکام شرعی را توسط رأی و اجتهاد خویش از منابع یادشده به دست آورد (تقوی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۱).

۱-۲. تربیت اسلامی

واژه «تربیت» به لحاظ هیئت‌شناسی، مصدر باب «تفعیل» و حاوی معنای فاعلی



است که ارتباط نزدیک با مفهوم «رَبّ» پیدا می‌کند؛ زیرا به قول راغب «رب» نیز مصدر است و مستعار برای فاعل، یعنی به مربی و کسی اطلاق می‌شود که فرایند تربیت را در عمل اجرا می‌کند. چنانکه هر جا واژه رَبّ در قرآن به کار رفته به معنای تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده است و این کلمه به صورت مطلق فقط بر خدای متعال به کار می‌رود (راغب، بی تا، ص ۳۳۶).

منظور از تربیت در اینجا عبارت است از فرایند یاری‌رسانی به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۱). تربیت اسلامی به محتوای تربیت اشاره دارد که فرایند تربیت با استفاده از دستورالعمل‌های دینی و قرآنی به مرحله اجرا درآید.

هرچند تربیت به معنای یادشده معمولاً به دوره بعد از تولد که می‌تواند مصداق واقعی مربی باشد اطلاق می‌شود، ولی از آنجا که دوره جنینی بنیاد و اساس تربیت به حساب می‌آید، در این دوره هم تربیت کاربرد پیدا می‌کند. البته این کاربرد از باب مقدمه تربیت است که در متون اسلامی بر اهمیت آن تأکید شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «تَرْوُجُوا فِي الْحَبْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه تأثیرگذار است (هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۲۹۶). همچنین پیامبر اسلام (ص) در دستوری فرمود: «أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا» (طبرسی، ۱۴۲۱، ص ۳۶۵)؛ به زن در ماهی که زایمان می‌کند، خرما بدهید؛ چرا که فرزند او بردبار و پاک می‌شود. این گونه روایات بیانگر آن است که دوره جنینی از اهمیت ویژه تربیتی برخوردار است و به عنوان مقدمه تربیت توجه به آن ضرورت دارد.

۲. جایگاه مادر

مادر، واژه‌ای است زیبا و پُر جاذبه همراه با عواطف و احساسات که از دیر زمان تاکنون

در ادیان و ملت‌های گذشته مورد توجه بوده است. مادر، در هر مکتب و آیینی به عنوان سمبل ایثار و فداکاری شناخته می‌شود. آغوش پُر مهر مادر مظهر صفا و صمیمیت، عشق و محبت، تعهد و وفاداری است که هر مادری با احساس، حاضر است در راه تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزند و فراهم ساختن وسایل رفاه و آسایش او، هرگونه از خودگذشتگی را از خود نشان دهد. مادر به لحاظ روحی و روانی آمادگی دارد که در مسیر تأمین احتیاجات فرزندان خود تمام رنج و زحمت را به جان و دل بپذیرد تا فرزندش در راحتی زندگی کند.

عنوان مادری افتخاری است برای زنان که هر خانمی طبعاً پس از ازدواج در انتظار آن به سر می‌برد و امید مادر شدن را دارد. چراکه وجود فرزند ثمره پیوند زن و مرد است و اگر این آرزو برآورده نگردد، نوعی نقص در فضای خانواده احساس می‌شود. بر این اساس در هر خانواده که نوزادی، به خصوص نخستین فرزند به دنیا بیاید سرور و خوشحالی همه اعضای آن را فرامی‌گیرد. فرزند، علاوه بر اینکه میوه شیرین پیوند زناشویی است، در تحکیم پایه‌های نظام خانواده نیز تأثیر بسزا دارد. وجود فرزند در خانواده نقش مادری مادر را برجسته می‌کند و به تعبیری به فعلیت می‌رساند. اگر فرزندی در نهاد خانواده نباشد، نقش مادری آشکار نمی‌شود. از این رو، وجود فرزند از یک طرف زمینه بروز نقش مادری را فراهم می‌سازد و از طرفی تا حد زیادی از پیش آمد اختلافات خانوادگی جلوگیری می‌کند. بسیاری از خانواده‌های که در اثر تولد فرزند همه اختلافاتشان یکباره برچیده شد و در عوض، بذر مهر و محبت از نو در دل زن و شوهر کاشته شد و سرانجام به زندگی سعادت‌مندی نائل گشته‌اند.

مادر، به عنوان رکن اساسی نظام خانواده، در اداره، رشد، تکامل و سامان‌دهی امور مربوط به این نهاد اجتماعی نقش حیاتی دارد. با نظر به ویژگی‌های جسمانی و روانی مادر که از اوصاف ذاتی و فطری زنانه برخوردارند، انتظاراتی از مادران می‌رود که زمینه‌ساز تجلی نقش‌های مادری آنان است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ بَعْلُهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ» (بخاری، ۱۴۱۹ م، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ زن نیز نگهبان خانواده شوهر و فرزندان اوست و در برابر آن‌ها

مسئولیت دارد. زندگی فاطمه زهرا^(س) در یک دوره نسبتاً کوتاه به مثابه تابلوی درخشانی است در مسیر خانواده‌های مسلمان که تمام زوایای آشکار و نهان آن، الگوی مناسبی در تربیت فرزند و دیگر امور خانواده برای مادران امروز جامعه است. ابراز عواطف حضرت زهرا^(س) به فرزندان و مهر و محبت او با آنان نشان‌دهنده عمق احساسات مادری نسبت به فرزند است (لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۲۵).

۳. مادر و پرورش فرزند

مادر نخستین کسی است که هم قبل از به دنیا آمدن و هم بعد از تولد ارتباط مستقیم با فرزند دارد و شب و روز باهم زندگی می‌کنند. دوره نسبتاً طولانی و طاقت‌فرسای جنینی که فرزند در وجود مادر خلاصه می‌شود و باحرکات و سکنت او همراه است، به لحاظ تربیتی از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده برخوردار است. چراکه تمام خوراکی‌ها، رفتارها، حالات روحی و روانی مادر بر چگونگی رشد و پرورش معنوی او اثرگذارند. ازاین‌رو، در این مقاله نقش تربیتی مادر در دو دوره پیش از تولد و بعد از تولد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. زمینه‌سازی تربیتی مادر قبل از تولد فرزند

قبل از تولد، دوره جنینی اساس زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و سرنوشت آدمی در حقیقت از همان جا تعیین می‌شود. همان‌گونه که رسول خدا^(ص) فرمود: «الْأَسْعِدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶)؛ سعید و خوش‌بخت کسی است که در رحم مادرش سعید است و شقی کسی است که در رحم مادرش شقی است. حدیث به این مطلب اشاره دارد که زمینه سعادت و شقاوت در دوران قبل از ولادت شکل می‌گیرد و سرنوشت انسان در رحم مادر تعیین می‌گردد. اجمالاً اهمیت دوره جنینی به لحاظ تأثیرپذیری جنین از افکار، حالات روانی و رفتارهای مادر، از این روایت استفاده می‌شود و ضرورت پرداختن به آن را روشن می‌سازد.

۳-۱-۱. تأثیر غذای مادر بر جنین

آدمی مانند سایر موجودات زنده نیازمند غذا است و با آن می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. تمام شهوات و تمایلات انسان از طریق صرف غذا و به‌دست آوردن نیرو، بیدار می‌شود و به حرکت درمی‌آید. در تربیت اسلامی، برای غذا علاوه بر منافع جسمانی، آثار و پیامدهای تربیتی - روانی بسیاری ذکر شده است. از این رو، خدای متعال در قرآن، انسان را به دقت و تأمل در کیفیت غذایش فرامی‌خواند: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴)؛ انسان باید به غذای خویش با دقت بنگرد (عطاران، ۱۳۷۱، ص ۸۵).

تنها چیزی که بیش از همه توجه آدمی را به خود جلب می‌کند غذایی است که برای دوام حیات خود از آن استفاده می‌کند و با یک دگرگونی فیزیکی شیمیایی جزو بافت وجود انسان می‌شود. از این رو، خداوند فرمود به آن چیزی که به‌عنوان خوراکی استفاده می‌کنید نیک بنگرید که چگونه تهیه شده و از چه راهی به‌دست آمده است. چراکه نوع غذا به لحاظ حلیت محرمات پیامدهای مهمی در اعمال و رفتار انسان دارد. امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ، فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءَ الْقَلِيلِ مِنَ الْحَرَامِ» (حرانی، ۱۳۷۶)؛ اما حق شکم آن است که آن را ظرف غذای حرام ولو اندک قرار ندهی. چون پیامبر^(ص) فرمود: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (قربانی، ۱۳۷۴، ص ۳۵۰)؛ هرکس لقمه حرامی بخورد تا چهل شبانه‌روز نه نمازش قبول می‌شود و نه دعایش به اجابت می‌رسد.

انسان پس از تشکیل نخستین هسته وجودش به نام «نطفه» یا «تخم بارور»، نیازمند نوعی تغذیه و کسب نیرو و توان است که مادر مسئول تأمین آن و عهده‌دار حفاظت و مراقبت از جنین است. او باید ضمن عمل به وظیفه، در تأمین صحت و سلامت جنین تلاش نماید. تمام حرکات و سکانات و خورد و خوراک مادر بر جسم و روح جنین اثر می‌گذارد و در چگونگی شکل‌دهی شخصیت وی نقش اساسی دارند. نقش تغذیه مادر در جسم و روح فرزند از حین انعقاد نطفه آغاز و تا پایان شیرخوارگی وی ادامه دارد. مادر، در این مدت مسئول تأمین نیازهای دو انسان است: نفس خودش

و کودکی که او را با خود دارد و پرورش می‌دهد. غذای جنین از چیزی است که مادر می‌خورد و نوشیدنی او از نوشیدنی‌های است که مادر می‌نوشد. هرچه به تولد کودک نزدیک می‌شود، نیاز او به غذای مادر بیشتر می‌گردد (حجتی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۹).

سرعت انتقال مواد از مادر به جنین در طول دوران بارداری رو به افزایش می‌گذارد تا نیازمندی‌های جنین را که پیوسته در حال رشد سریع است، تأمین کند. مطالعه فیزیولوژی جفت روشن کرده است که سرعت انتقال مواد از مادر به جنین در حدود هفته‌های ۲۴ و ۲۵ دوره حمل به حداکثر می‌رسد و از آن پس کاهش می‌یابد. چراکه طی ماه‌های آخر آبستنی نشانه‌هایی از کهولت در جفت پیدا می‌شود به‌طور که دیگر مانند ماه‌های قبل در انتقال غذا چنانکه باید عمل نمی‌کند (گلیبرت، ۱۳۴۷، ص ۱۴۹).

در روایات اسلامی در مورد زنان باردار نسبت به بعضی خوراکی‌ها سفارش ویژه شده و از آثار و خواص آن‌ها بر جنین نیز سخن به میان آمده است. آنچه به تجربه هم ثابت شده این است که در مدت حاملگی استفاده مادران از میوه‌ها تأثیر شگرفی بر زیبایی چهره و صورت ظاهری کودک و هم‌چنین بر اخلاق و رفتار او دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَطْعُمُوا حَبْلَ الْاُكْمِ اللَّبَانُ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غُذِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ وَ زِيدَ فِي عَقْلِهِ، فَإِنَّ كَانَ ذَكَراً كَانَ شَجَاعاً وَ إِنْ وَلَدَتْ اُنْثَى عَظُمَتْ عَجِيزَتَهَا فَتَحْظَى بِذَالِكَ عِنْدَ زَوْجِهَا» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۶)؛ به زنان باردار خود «لبان»، یعنی «کُنْدَر» بخورانید که بچه در شکم مادر با آن تغذیه می‌شود و در نتیجه قلبش قوی و عقلش زیاد می‌گردد و اگر بچه پسر باشد فردی شجاع و نیرومند خواهد شد و اگر دختر باشد الیه‌های بزرگ خواهد داشت که موجب رضایت شوهر می‌گردد.

امام صادق (ع) خوردن «به» را عامل زیبایی بچه دانسته، بدان توصیه می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) «خرما» را موجب حلم و بردباری کودک می‌داند (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۶)، همان‌گونه که خداوند هنگام زایمان مریم، به وی وحی کرد، درخت خشکی را که در کنارش هست تکان دهد تا خرمای تازه بریزد و از آن استفاده کند (مریم، ۲۵). از این دستور خدای متعال برمی‌آید که بهترین غذا برای زنان بعد

از زایمان خرما است؛ چراکه هم به خاطر داشتن ویتامین‌های مختلف برای مادر مفید است و هم برای بچه سودمند است. چون در علم پزشکی ثابت شده که خرما حاوی «کلسیم، فسفر و پتاسیم» است که این‌ها در استحکام استخوان، جلوگیری از ناراحتی‌های مغز و اعصاب و بیماری زخم معده مؤثر هستند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۷).

از مجموع دستورات بزرگان دین به‌خوبی برمی‌آید که چگونگی تغذیه مادر بر رشد کمی و کیفی فرزند تأثیر مثبت یا منفی دارد و باید غذاها و مواد مصرفی او در طول دوره بارداری و شیرخوارگی کودک کاملاً برنامه‌ریزی‌شده و بر اساس نیازهای روحی و جسمی وی تنظیم شود.

بایزد بسطامی سالیانی چند به عبادت پرداخت، ولی از عبادتش لذت و حلاوتی احساس نمی‌کرد. روزی نزد مادر آمد و گفت: مادر! مدتی است که به عبادت پروردگار مشغولم، ولی شیرینی عبادت را درک نمی‌کنم فکر کن، بین موقعی که در رحم تو بودم یا کودکی شیرخوار بودم، چه چیزی از غذای حرام خورده‌ای؟ مادر بایزید مدتی دراز در این باره اندیشید و سپس گفت: فرزندم! وقتی که تو در رحم من بودی، روزی به پشت‌بام رفته بودم، ظرف غذایی از همسایه آنجا بود و بی‌اجازه صاحبش مقداری از آن غذا خوردم. بایزید گفت: اکنون برایم معلوم شد که چرا طعم شیرین عبادت را نمی‌چشم، برو نزد صاحبش، داستان را بگو و از وی رضایت بگیر. مادر نزد همسایه رفت و رضایت گرفت. پس از آن واقعه بود که بایزید شیرینی و طعم مناجات با پروردگار را احساس کرد (کریمی‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۳۹).

۳-۱-۲. تأثیر حالات روانی مادر بر جنین

فرزند تا زمانی که به دنیا نیامده در واقع جزو وجود مادر محسوب می‌شود و این مطلب به اثبات رسیده که اضطراب‌ها و هیجان‌های شدید انسان در تمام بدن او اثر می‌گذارند. بر این اساس، هر چیزی که از نظر جسمی و روانی بر مادر تأثیر بگذارد، بر جنین نیز اثرگذار خواهد بود. چراکه غذای جنین به‌وسیله مادر تأمین می‌شود و چگونگی تغذیه مادر هم در بروز حالات روانی و شخصیت آینده کودک اثر دارد.

حالات و تکانه‌ای ناراحت‌کننده که برای مادر اتفاق می‌افتد، مسلماً مضر به وضع مزاجی و رشد جنین است، زیرا چنین حالاتی نظم دستگاه عصبی را بر هم می‌زند و بر اثر ترشح غیرطبیعی غدد عمل صحیح دستگاه گوارشی مختل می‌شود و شاید تنها علتی که جنین پس از تولد پذیرای برخی بیماری‌های روانی می‌شود، همین حالات هیجانی مادر است که هنگام بارداری به وی دست می‌دهد. ازاین‌رو، مادر در دوران بارداری باید نسبت به سلامت خود و نوع غذاهای که مصرف می‌کند کاملاً مراقب باشد و هم‌چنین از استراحت کافی برخوردار بوده و از هوای آزاد به‌خوبی استفاده ببرد تا زمینه یک زندگی سالم را برای فرزندش فراهم سازد (جلالی، ۱۳۵۶، ص ۲۲۳).

بر این اساس، به‌طور قطع می‌توان گفت که عواطف و افکار و حالات روانی مادر، در جان و روان کودک نیز مؤثرند و در آینده او نقش بسزا دارند. عصبانیت یا اضطراب و یا ترس شدید مادر، وضع عمومی مزاج و دستگاه گوارشی او را برهم می‌زند و اعصابش را مختل می‌سازد و این حالت غیرعادی، چنان‌که بر جسم و جان مادر ضرر دارد، وضع تغذیه کودک را نیز که در رحم او زندگی می‌کند مختل می‌سازد. در این صورت، ممکن است اعصاب و مغز کودک را برای یک عارضه روانی که بعداً به‌ظهور می‌رسد آماده نماید (امینی، ۱۳۷۲، ص ۴۹). حالت هیجانی مادر مستقیماً روی جنین اثر می‌گذارد و خطراتی را برای او بار می‌آورد و این امکان وجود دارد که فرزند او از همان دوران کودکی فردی هیجانی و عصبی مزاج پدید آید (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۷۹).

چه‌بسا دیده می‌شود مادرانی که در اثر مشکلات و حوادث زندگی، چنان گرفتار غم و اندوهی شده‌اند که تمام فعالیت و حرکت را از او سلب می‌کند و این حالت طبعاً بر جنین نیز مؤثر است. بدن مادر و سوانحی که در آن رخ می‌دهند در محیط رشد جنین اثر می‌گذارند و جنین آدمی نسبت به بسیاری از تغییرات محیط زندگی از مادر خود حساس‌تر است (گلیبرت، ۱۳۴۷، ص ۱۸۴). اگر مادری، هنگام بارداری بترسد به‌طوری‌که رنگش تغییر کند و دچار لرز شود، لکه‌های در بدن نوزاد او

ایجاد می‌شود که آن را «ماه‌گرفتگی» می‌نامند (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۵۷). هم‌چنین، عصبانیت مادر پیش از به دنیا آمدن طفل ممکن است به نیروی حیاتی جنین لطمه وارد آورد تا آنجا که او را به یک موجود عصبی تبدیل کند. از این گفتار به‌خوبی به دست می‌آید که تا چه اندازه لازم است مادر، در دوران بارداری از خود مواظبت نماید؛ از اندیشه‌های اندوه‌ناک بپرهیزد، از غم و غصه و ناراحتی‌های روحی و روانی دوری جوید و صفای دل و آرامش خاطر را برای همیشه حفظ نماید (بیج، ۱۳۲۸، ص ۲۷).

توصیه‌های کارشناسان تربیتی و روان‌شناسی به مادران باردار جهت سلامت روحی و جسمی فرزند این است که در دوره بارداری از افسردگی، عصبانیت، اضطراب و فکر و اندیشه عمیق درباره مسائل زندگی خودداری نموده، زیاد جوش نخورد و خود را در معرض پریشانی‌های فکری و ذهنی قرار ندهند. سعی کنند در این مدت همیشه با شادابی و نشاط زندگی نمایند و به هر صورت زمینه مناسب رشد جنین را در دوره بارداری فراهم سازند تا آسیب جسمی یا روانی به فرزند نرسد.

۳-۱-۳. تأثیر رفتار مادر بر جنین

منظور از رفتار، هر نوع حرکت و فعالیت است که در طول بارداری از مادر ظهور و بروز پیدا می‌کند. همان‌گونه که گفتیم، انجام هر کاری خواه‌ناخواه بر جسم و جان انسان تأثیر می‌گذارد؛ وقتی کاری انجام می‌دهد، خسته می‌شود، تشنگی بر او عارض می‌شود و احساس گرسنگی می‌کند و اگر کاری مفید انجام داده باشد، احساس نشاط و شادابی به او دست می‌دهد؛ ولی آنچه بر زن حامله اثر منفی دارد، کارهای سخت و طاقت‌فرسایی است که انرژی زیاد می‌طلبد. اگر مواظبت نکند، این‌گونه کارها ممکن است آسیب جدی به جنین وارد سازد. چه‌بسا دیده شده مادرانی که در اثر بی‌احتیاطی و انجام کارهای سنگین دچار سقط جنین شده یا زمینه نقص جسمی و روانی بچه را فراهم کرده‌اند. خستگی زیاد مادر در دوران حمل موجب زیادی مواد سمی در خون می‌شود و بر کودک اثر منفی می‌گذارد (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۶۴).

به گفته روان‌شناسان، بیماری‌های عفونی مادر در ماه‌های بارداری، ناهنجاری‌هایی

را در رشد و نمو جنین به وجود می‌آورد و هم‌چنین اختلال‌های هورمون‌های غده نروئید رشد عمومی وی را به تأخیر می‌اندازد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸). اگر به بدن مادر آسیبی برسد، به جنین نیز زیان می‌رساند. اندک فشاری به شکم مادر، ممکن است به سقط جنین یا به خون‌ریزی مغزی منتهی گردد. دانش پزشکی چنین نشان می‌دهد که استفاده از اشعه X و رادیوم (radium) در درمان زنان حامله خطرهای جدی برای جنین دارد. این خطر ممکن است به صورت نقص عضو، سقط جنین و مرده به دنیا آمدن ظاهر شوند (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۶۴).

هر زنی وظیفه دارد که بهترین محیط ممکن را برای نخستین خانه فرزندش، یعنی رحم فراهم سازد و هنگامی می‌تواند بدان توفیق یابد که بداند چه حوادثی از زندگی‌اش در رشد جنین مؤثر خواهند بود. آگاهی از چگونگی رشد آدمی در عالم رحم، می‌تواند مادر را در شناخت مسئولیت تأمین مناسب‌ترین شرایط زندگی برای فرزندش طی نُه ماه زندگی جنینی مدد و راهنمایی کند. مادران زمانی می‌توانند از زیان‌های دوره جنینی پیش‌گیری نمایند که از تأثیر وراثت و محیط در جنین اطلاع کافی داشته باشند و آن دانسته‌های خود را برای تأمین نیازها و بهبود زندگی پیش از تولد فرزند به‌کارگیرند (گلیبرت، ۱۳۴۷، ص ۱۸۵).

ازاین‌رو، به مادران باردار توصیه می‌شود که همه پروتئین‌ها و هیدرات‌های کربن و چربی‌ها و کانی‌های لازم برای تأمین افزایش مقدار سلول‌های زنده بچه‌اش را فراهم سازد. هم‌چنین مطالعات نشان می‌دهد که مادر، باید مقدار ویتامینه‌ای مخصوص برای فعالیت درست سلول‌های زنده را نیز تأمین نماید (گلیبرت، ۱۳۴۷، ص ۱۸۲).

مادر باید در روز، دویا سه ساعت در هوای آزاد قدم بزند (نه در حدی که خسته شود) و پس از قدم زدن استراحت کند. هوای اتاقی که زن باردار در آن می‌خوابد باید روزی چند بار تهویه شود تا زن حامله همیشه از هوای آزاد و تازه استفاده کند. زیرا اگر اکسیژن کافی به کودک نرسد دچار رنگ‌پریدگی و بیماری‌های ریوی و خفگی خواهد شد (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۸۳). زن باردار باید ورزش ملایم و طبیعی و استراحت کافی داشته باشد و از غذای مناسب که قسمت اعظم آن را شیر و سبزی جات تشکیل

بدهد برخوردار باشد (جلالی، ۱۳۵۶، ص ۲۲۳).

یکی از علمای بزرگ در مسجد جامع اصفهان امام جماعت بود، شبی پسرش را با خود به مسجد آورده بود. پسر از ورود به مسجد خودداری کرد و در حیاط مسجد نشست. پس از رفتن پدر به مشک آبی که در حیاط مسجد بود سوزنی فرو برد و با آن آبی که از آن می ریخت، بازی می کرد! پس از پایان نماز، پدر از این موضوع باخبر شد و بسیار ناراحت گردید، به خانه رفت و به همسرش گفت: من در تغذیه و رعایت آداب و رسوم اسلامی، پیش و پس از انعقاد نطفه و در دوران کودکی فرزندان سعی تمام کرده ام، ولی عمل امروز این کودک نشانگر تقصیر یکی از ماست. مادر گفت: یاد دارم که در هنگام بارداری به منزل همسایه رفته بودم که درخت انار آن ها توجه مرا به خود جلب کرد. به یکی از انارها سوزنی فرو بردم و مقداری از آب انار چشیدم (کریمی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱).

آنچه در این قسمت گفته شد، به این نتیجه رهنمون می سازد که خوراکی ها و آشامیدنی های مادر بر جسم و روح فرزند تأثیر عمیق دارد. خوراکی مادر علاوه بر اینکه بر صحت و سلامت وی تأثیرگذار است، بر سلامت جسمی و روانی بچه اش نیز نقش بسزا دارد. چنان که در روایات و احادیث اسلامی فروان بدان تأکید شده و از مادران خواسته شده که در مدت بارداری مواظب خوراک، رفت و آمد و حرکات و سکنات خود باشند. بر این اساس، به مادران، به ویژه زنانی که برای نخستین بار صاحب فرزند می شوند، توصیه می گردد که در زمینه خوراکی ها و فعالیت های خویش برنامه ریزی داشته باشند و از موادی که برای فرزندش مفید است استفاده کنند و تا آنجا که ممکن است از بروز نارسای جسمی و روحی فرزند جلوگیری نمایند. زیرا پیش گیری به مراتب آسان تر و مفیدتر از درمان است.

۲-۳. نقش تربیتی مادر بعد از تولد فرزند

اصل وظیفه مادری و نقش تربیتی مادر، پس از تولد فرزند آغاز می شود و از این زمان است که پرورش جسمی و روانی کودک رسماً به عهده مادر قرار می گیرد. چون در میان اعضای خانواده، مادر نخستین کسی است که رابطه مستقیم با فرزند

دارد و در همه صحنه‌های زندگی با او به سر می‌برد. این رابطه در حقیقت یک رابطه زیست‌شناختی است که به تدریج به روابط روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تبدیل می‌شود. مادر اولین فردی است که نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی کودک را تأمین می‌کند و برای سلامت و تکامل جسمی و معنوی او می‌کوشد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱).

اعمال نفوذ مادر که در زمان بارداری غیر محسوس است و چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، اینک به مرحله تازه‌ای رسیده و مادر نقش خود را در تربیت فرزند کاملاً حس می‌کند و نتایج آن را می‌بیند. همان نقش‌های مادر در دوران حاملگی، بعد از ولادت فرزند آشکار می‌گردد و باید ادامه پیدا کند. افزون بر آن، زمینه ایفای نقش‌های جدید نیز برای مادر به وجود می‌آید که او می‌تواند با آگاهی کامل از وظایف خود به اجرای آن نقش‌ها بپردازد. در اینجا لازم است، به بیان این نقش‌ها پرداخته و برخی از آن‌ها را بررسی کنیم تا بدین وسیله زمینه تربیت هرچه بهتر فرزند برای مادران فراهم گردد. البته توجه به یک نکته لازم به نظر می‌رسد و آن اینکه ممکن است پدر هم در اجرای این نقش‌ها شریک مادر باشد، ولی هدف ما در تحقیق برجسته‌سازی تأثیر و نفوذ مادر در تربیت فرزند است که عمدتاً به تبیین آن می‌پردازیم.

۳-۲-۱. مادر و ایجاد فضای مساعد تربیتی

هرچند مطالبی که تاکنون گفته شد، به یک اعتبار همه به منظور زمینه‌سازی برای اجرای فرایند تربیت بود و رعایت نکات یادشده به نحوی در تحقق بهتر آن فرایند، کمک می‌رساند. اما پس از تولد، مهم‌ترین نقشی که به نظر می‌رسد قبل از همه برای مادر لازم است، زمینه‌سازی تربیت دینی است که او می‌تواند با ایجاد فضای مناسب دینی و معنوی در محیط خانواده این کار را انجام دهد. یعنی مادر به عنوان کسی که بیش از دیگران در محیط منزل حضور دارد، باید آن محیط را به فضای معنوی تبدیل کند. تأثیر جو و فضای زندگی بر خلق و خوی و نحوه رفتار انسان، به‌ویژه کودک و نوجوان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. اگر خانواده‌ای در فضای معنویت توأم با دعا و مناجات زندگی کند، طبیعی است که فرزندان پرورش یافته در

آن فضا با ذکر و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج آن خلق و خور را فرامی‌گیرند. عکس این مطلب نیز صادق است؛ چون بچه‌هایی که در محیط‌های آلوده بزرگ می‌شوند کمتر با قرآن و احکام دینی سروکار دارند.

این مطلب را می‌توان از نامه معروف امام علی^(ع) به فرزند بزرگوارشان امام مجتبی^(ع) به دست آورد که امام قبل از ارائه دستورالعمل‌های تربیتی به ایجاد فضای مساعد تربیتی می‌پردازند. آن حضرت به مثابه یک مربی دل سوز قبل از ورود در بحث، اوصافی را برای خود و مرتبی بیان می‌دارند که فضای موجود را به فضای مناسب تربیتی تبدیل نموده و مخاطب را هرچه بیشتر برای پذیرش دستورات تربیتی آماده می‌سازند. بیان هفت صفت برای مربی و چهارده ویژگی برای مرتبی در کلام ایشان جز ایجاد پیوند عمیق و صمیمی میان این دو رکن اساسی تربیت، معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد. همچنین خطاب «یا بُنی» (عزیزم) چندین بار در گفتار امام تکرار شده که می‌خواهد ارتباط عاطفی با مرتبی برقرار کند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از این کلام امام به خوبی برمی‌آید که فضاسازی به عنوان یک اصل تربیتی مفید و مؤثر همیشه باید در محیط خانواده‌ها رعایت گردد و بدان عمل شود.

فاطمه زهرا^(س) به عنوان اسوه حسنه برای همه زنان عالم، مناسب‌ترین فضا را برای تربیت دینی فرزندان فراهم می‌ساخت. خانه‌ای که فاطمه^(س) در آن زندگی می‌کرد، پُر از قداست و معنویت و نورانیت بود؛ خانه‌ای که بر احترام، سپاس‌گزاری، بزرگ‌منشی و بزرگواری استوار بود. هرکس حق فاطمه، پدر، شوهر و فرزندان او را می‌شناسند، حق این خانه را هم به خوبی درک می‌کند. ابن عباس می‌گوید در مسجد پیامبر نشسته بودم که قاری آیه «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور، ۳۶) قرائت کرد. پرسیدم یا رسول‌الله^(ص)! منظور کدام خانه‌ها است؟ فرمود: خانه‌های انبیا و با دست اشاره به خانه فاطمه^(س) کرد؛ یعنی خانه علی و فاطمه^(ع) از این نوع خانه‌ها، بلکه بهترین آن‌ها است (قزوینی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۸). در چنین خانه‌ای است که فرزندان همانند حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم^(ع) پرورش می‌یابند و جهانی پُر از ظلم و طغیان و فساد را اصلاح و تا آنجا که ممکن است مردم

را به حق و عدالت آشنا می‌سازند.

به هر صورت، زمینه‌سازی تربیت دینی در محیط منزل وظیفه مادر است که می‌تواند در این مورد نقش آفرینی کند و به گونه‌ای فضا را سامان‌دهی کند که موانع تربیت سازنده را به کلی از بین ببرد. با تأسی به رفتار حضرت زهرا^(س) و الگوپذیری از سیره آن بزرگوار به تربیت فرزند پیردازد. اگر مادر توانست نظر شوهر (در صورت مخالفت) را جلب کند و در محدوده زندگی خانوادگی از دیدن فیلم‌ها و گوش دادن به نوارهای ضد ارزشی دوری کنند، بچه‌های خوبی تحویل جامعه خواهند داد؛ وگرنه چنان ضرری به حیثیت فردی و اجتماعی خود و نسل آینده خویش خواهند زد که دیگر به آسانی قابل جبران نخواهد بود.

۳-۲-۲. مادر و چگونگی شیر دادن به فرزند

شیر مادر، بهترین غذای کودک است و هیچ‌چیزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد؛ چون کودک ماه‌ها در رحم مادر بوده و شریک خون و غذا و همساز حالات زیستی و روانی او محسوب می‌شده است. وقتی نوزاد از مادر جدا شد، آن ارتباط عمیق زیستی و روانی مادر را به همراه دارد و بعد از ولادت نیز خواهان استمرار این پیوند دیرینه مادری است. از این روست که شیر مادر از تمام جهات با دستگاه گوارش کودک سازگار است و باید از آن نعمت خدادادی بهره‌مند گردد. بدین جهت، ترکیبات شیر مادر به گونه‌ای پدید می‌آید که نوزاد به آسانی می‌تواند آن را هضم کند و رشد مناسب جسمی و عقلی را برایش به وجود آورد. چون نوزاد در واقع از همان غذایی استفاده می‌کند که در رحم مادر از آن تغذیه می‌کرد، طبیعی است که چنین خوراکی با رشد و نمو او سازگار است. البته شیر مادر در روند تولید و قابل استفاده بودن برای کودک، مراحل را طی می‌کند تا به آن شکلی در می‌آید که متناسب با وضعیت او می‌گردد (حجتی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۶).

با نظر به آنچه گفته شد، شیر مادر مفیدترین خوراک برای کودک است و مادر نباید بدون عذری موجه نوزاد را از این نعمت عظیم خدایی محروم کند. در متون دینی دستورات زیادی در مورد تغذیه از شیر مادر وارد شده که هم کمیت و هم

کیفیت آن را بیان می‌کند. در قرآن کریم، (بقره، ۲۳۳) طول دوران تغذیه کودک از شیر مادر دو سال تعیین شده است که مادر موظف است، فرزندش را دو سال کامل شیر دهد، وگرنه کودک متضرر می‌شود. در روایتی که از امام صادق^(ع) نقل شده حداقل دوره رضاع را چیزی کمتر از دو سال بیان نموده است، امام فرمود: «الرَّضَاعُ وَاحِدٌ وَعَشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۷۸)؛ دوره شیردهی بیست و یک ماه است و کمتر از آن ظلم بر کودک است. این تفاوت به خاطر این است که قرآن حداکثر و روایت حداقل مدت شیر دادن مادر را تعیین نموده‌اند و مادر می‌تواند به هریک از این دو، عمل کند و کمتر و بیشتر از آن نباید باشد. بعضی از علما گفته‌اند که شیردهی به کودک به مدت دو سال واجب است، به‌ویژه نخستین شیری که در پستان مادر ظاهر می‌شود، تغذیه‌اش به فرزند اهمیت و ضرورتی بیشتر دارد؛ چون اگر شیر اول به نوزاد تغذیه نشود، کودک از نظر جسمی ضعیف و ناتوان می‌ماند؛ رشد و نمو مناسبی ندارد (مجلسی، ۱۳۴۱، ص ۱۲۹). در مورد چگونگی شیردهی مادر، حدیثی از امام صادق^(ع) آمده است که آن حضرت به یکی از مادران (مادر اسحاق) که فرزندش را شیر می‌داد، فرمود: «ای مادر اسحاق! از یک پستان به فرزندت شیر مده، بلکه از دو پستان به او شیر بده، چون یکی از آن دو به‌عوض طعام و دیگری به‌عوض آب است» (مجلسی، ۱۳۴۱، ص ۱۲۹).

هرچند تأثیر شیر مادر، بر فرزند روشن است و چندان نیازی به بحث ندارد، ولی برای آگاهی بیش‌تر مادران لازم است، نقش آن را ضمن داستانی بیان کنیم. یکی از بزرگان می‌گوید: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل‌الله نوری» در زندان به ملاقاتشان رفتم. پس از احوال‌پرسی، به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لالابالی است و بر ضد شما کار می‌کند. شیخ شهید فرمود: این موضوع را از پیش می‌دانستم و افزود: این پسر در نجف به دنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیر دادن او، زنی را در نظر بگیریم. پس از مدتی زیادی که این کودک از شیر آن زن تغذیه کرد، ناگهان متوجه شدیم که آن زن بسیار لالابالی و بی‌عفت است و کینه علی^(ع) را به دل دارد. از همان وقت دریافتیم که سعادت‌مند

شدن این پسر، کاری است بسیار مشکل! (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص ۴۱). چنان چه در روایات نیز از شیر دادن زن ناصبیه به فرزند شیعه نهی شده است (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۵۷). امام علی^(ع) در اهمیت شیر دادن می‌فرماید: «الرُّضَاعُ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳)؛ شیر، سرشت آدمی را دگرگون می‌سازد.

۳-۲-۳. شیر دادن همراه با طهارت

شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است که خدمات بسیاری به اسلام و مکتب اهل بیت^(ع) انجام داده و آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است. وقتی پس از سال‌ها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت مسلمانان نائل شد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت عامه رسیده است. مادر شیخ گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم اگر به مقام نبوت هم می‌رسید تعجب نمی‌کردم، چه رسد به مقام اجتهاد. مردم از شنیدن این سخن، با شگفتی پرسیدند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده‌ای که دیگران نکرده‌اند؟ مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحمات من در تربیت او از حوصله شما بیرون است، اما برای نمونه می‌گویم که هیچ‌گاه پستان به دهانش نگذاشتم مگر اینکه با طهارت بودم و وضو داشتم (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۲).

معروف است هنگامی که مادر شیخ از دنیا رفت، آن فرزند لایق بر بالین مادر زانو زد و زارزار می‌گریست. یکی از شاگردان از روی دلجویی به ایشان گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی شایسته نیست بر بالین پیرزنی این‌گونه اشک بریزید! شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر آگاه نیستید، تربیت صحیح و زحمات فراوان این مادر بود که مرا به اینجا رسانید (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

از این داستان واقعی می‌توان اهمیت طهارت و نقش آن را در تربیت دینی فرزند از زبان یک مادری نمونه شنید که خود بدان عمل نموده و شخصیت بزرگ علمی و مذهبی همانند شیخ انصاری را تحویل جامعه داده است که وجود چنین شخصیتی افتخاری است برای اسلام و مذهب تشیع. شیخ اعظم خود نیز به این موضوع آگاه است و تلاش مادر را تأیید نموده، مقام والای علمی خود را محصول زحمات

او می‌داند. مادران باید از چنین مادری که زندگی خود را وقف فرزند نموده و از هیچ‌گونه کوششی برای تربیت وی دریغ نداشته است، الگو بگیرند و به او تأسی نمایند. چنان‌که امام باقر^(ع) ضمن دستوری به خانواده‌ها می‌فرماید: «عليكم بالوصاء من الظنورة فإن اللبن يعدى» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۸۹)؛ بر شما لازم است دایه پاکیزه و نظیف برای شیرخوارگی کودکان خود برگزینید، زیرا شیر در فرزند تأثیر می‌گذارد. هرچند در روایت به انتخاب دایه پاکیزه سفارش شده که بیشتر ناظر به نظافت ظاهری است، ولی کلام امام مطلق است نظافت باطنی را هم می‌گیرد، یعنی زن شیرده، اعم از مادر و دایه باید از طهارت کامل، به‌ویژه طهارت باطنی برخوردار باشد، مخصوصاً زمانی که به بچه شیر می‌دهد.

۳-۲-۴. شیر دادن همراه با نام خدا

بردن نام خدا در ابتدای هر کاری لازم است و باید با یاد و نام خدا شروع به کار کرد. به فرموده قرآن کریم حضرت نوح کسی بود که هنگام سوار شدن بر کشتی قبل از هر چیز نام خدا را به زبان برد و با یاد او سوار کشتی شد. زمانی که می‌خواست با خانواده‌اش سوار کشتی شوند گفت: «ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مُجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» (هود، ۴۱)؛ گفت به نام خدا سوار کشتی شوید که رفتن و ایستادنش به نام اوست. هدف از بردن نام خدا این است که به‌وسیله بردن نام مبارک پروردگار خیر و برکت را جلب کند. چون وقتی انسان فعلی از افعال یا امری از امور را به نام خدا معلق کرد و آن را به نام مبارک او مرتبط ساخت، همین عمل باعث می‌شود که آن کار یا آن امر از بدی‌ها محفوظ مانده و به خوبی‌ها و خیر و برکت قرین شود؛ زیرا خداوند کمال مطلق است و جامع همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها است؛ اگر کاری در آغاز با نام او شروع شود و بدین‌وسیله مرتبط با او گردد، آن کار یقیناً دارای کمال و خوبی و خیر و برکت خواهد بود. از این رو، نوح هنگام سوار شدن، حرکت و سکون کشتی را به نام خدا مرتبط کرد و نجات آن را به برکت نام او خواستار شد و رهایی از طوفان عظیم جهانی را فقط با عنایت حق تعالی امکان‌پذیر می‌دانست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۴۲). چنانچه نوح و قومش به همین توسل و توکل به خدای متعال از آن حادثه بزرگ نجات یافت

و به ساحل نجات رسید.

فلسفه حکایت داستان نوح در قرآن کریم، این است که مسلمانان به سیره و رفتار آن حضرت توجه کنند و از او بیاموزند که کار را چگونه باید شروع کرد و چگونه خیر و برکت را از خدا خواست؟ تنها راه از منظر قرآن این است که در ابتدای کار نام خدا را بر زبان برانند و خیر و سلامت را از خدای متعال بخواهند. یکی از کارهای مهمی که آینده فرد وابسته به آن است، شیر دادن مادر به فرزند است. چراکه زندگی فرزند با همان مکیدن از پستان مادر شروع می‌شود. بنابراین، بر مادر لازم است که هنگام شیر دادن به فرزند نام خدا را به زبان آورد و هر بار با یاد نام او به نوزاد شیر بدهد. غفلت از این امر درست نیست و ممکن است به لحاظ معنوی، چنان ضربه‌ای به ساختار روحی و روانی فرزند وارد سازد که تا ابد قابل جبران نباشد.

ابو المعالی یکی از علما و دانشمندان بزرگ اسلامی است که سالیانی دراز در مکه و مدینه اقامت گزیده و صاحب تألیفات و آثار ارزشمند فراوان است. پدر وی شیخ ابو محمد عبدالله، هم از فضلا و پرهیزگاران زمان خود بود و از راه نویسندگی و نسخه‌برداری کتب زندگی خود را اداره می‌کرد. او با زنی پاک‌دامن ازدواج کرد و ثمره این ازدواج، پسری بود به نام ابو المعالی. هنگامی که این کودک دیده به جهان گشود پدرش سفارش بسیار کرد که مبادا از شیر زن‌های دیگر به او بدهند و نسبت به غذای او بسیار دقیق و حساس بود. اما روزی، مادر بچه بیمار شد. کودک که شیر کافی نخورده بود مرتب گریه می‌کرد.

یکی از زنان همسایه آنجا بود، برای آرام کردن او پستان خود را به دهانش گذاشت. نوزاد مقداری از شیر آن زن خورد و آرام گرفت. در همان لحظه شیخ عبدالله وارد خانه شد و چون از این پیشامد آگاه شد، بسیار متأثر گردید. کودک را گرفت، سر او را پائین نگه داشت و با انگشت دهانش را باز می‌کرد تا آنچه شیر در دهانش بود، بیرون ریخت. شیخ، در آن موقع می‌گفت: برای من بسی سخت و ناگوار است که بینم سرشت فرزندی به شیریه مجهول و ناپاک آلوده شده باشد! آن نوزاد همان «امام الحرمین ابو المعالی» است که چون این اندازه در تربیت و پرورش او مواظبت نمودند،

شخصیتی برجسته و فاضل و از دانشمندان پرآوازه گردید. ابوالمعالی می‌گفت: گاهی در هنگام بحث و مناظره یک نوع سستی و کندذهنی در من ایجاد می‌شود و این، اثر همان اندک شیری است که در بدن من باقی مانده است (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص ۴۰). روشن است که آن زن همسایه موقع شیر دادن رعایت آداب اسلامی را نکرده و بدون بردن نام خدا پستان به دهان کودک گذاشته و نتیجه‌اش کندذهنی ابوالمعالی بوده است.

۳-۲-۵. شیر دادن دختر و پسر

هرچند شیر دادن دختر و پسر به لحاظ ظاهری تفاوتی باهم ندارد و هر دو باید از پستان مادر شیر بنوشند، ولی از نظر عاطفی و روانی امتیازاتی نسبت به هم دارند که این نکته می‌بایست مورد توجه مادر قرار گیرد. آنچه از کلام معصومان^(ع) به دست می‌آید این است که دختر نسبت به پسر از عواطف بیشتری برخوردار است و از این رو، دارای احساسات و رقت قلبی افزون‌تر است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «اذا اصاب الرجل ابنة بعث الله اليها ملكاً فأمر جناحه على رأسها و صدرها و قال ضعیفة خلقت من ضعف المنفق علیها معان» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۱۰۴)؛ هنگامی که دختری به دنیا آید، خداوند فرشته‌ای را مأمور گرداند که بالش را بر سر و سینه او بگستراند و بگوید: او دختری ناتوان است و در مرحله ضعف به دنیا آمده است. کمک‌کار و انفاق‌کننده به او مورد توجه خداوند است تا روز قیامت.

بر اساس این روایت، ساختار وجودی دختر ضعیف‌تر از پسر است و بدین جهت شایسته ترحم و نوازش بیشتر است. مادر باید نیازهای روحی و عاطفی دختر را برآورده سازد و نقش خود را در این مورد ایفا نماید. در شیر دادن نیز بایستی به این ویژگی دختر توجه داشته و او را بیشتر مورد تفقد و ترحم و دل‌سوزی قرار دهد. همان‌طور که خدا و رسول خدا^(ص) هم نسبت به دختران مهربان‌تر هستند و به رفتار مهربانانه‌تر با آن‌ها توصیه می‌کنند. رسول خدا^(ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرَأُفُّ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ» (ری‌شهری، ۱۳۴۱، ص ۵۵۱)؛ خدای تعالی بر دختران مهربان‌تر از پسران است. همچنین آن حضرت فرمود: «نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مَلَطَفَاتٌ مَجْهَزَاتٌ



مؤنسات مبارکات مفلّیات» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۸، ۶)؛ دختران فرزندان خوبی هستند، دارای لطافت و گرمی، جاذبه‌های روحی و روانی، آماده خدمت و انس با پدر و مادر، مایه برکت و رحمت و پاکیزگی.» بنابراین، آن‌ها را دوست بدارید و با مهر و محبت با ایشان رفتار نمایید.

چیزی که از روایات نبوی استفاده می‌شود تفاوت عاطفی - روانی دختر و پسر است و نتیجه می‌دهد که دختران از احساسات و عواطف سرشاری برخوردارند و دارای رقت قلب فوق العاده‌ای هستند، به گونه‌ای که با اندک چیزی ناراحت و باکم‌ترین کاری خوشحال می‌شوند. از این رو، بر اطرافیان دختر لازم است که با رفتارهای نیک و برخورد‌های محبت‌آمیز خویش قلب او را شاد و خاطر وی را مسرور سازند. به‌ویژه مادر با نظر به هماهنگی ساختار عاطفی - روانی اش با دختر باید در این زمینه بیشتر سرمایه‌گذاری کند و از مهر مادری اش به‌خوبی وی را بهره‌مند سازد. حتی در ارضاع و شیردهی نیز به بعد عاطفی دختر اهمیت داده، روح او را با نوازش‌های مادرانه آماده پذیرش دستورات الهی نماید. در این صورت است که دختر از شخصیت متعادل و آرامی برخوردار گشته و با وقار پرورش یافته و از اعتماد به نفس برخوردار می‌گردد. مادرانی که کاملاً به آداب اسلامی شیر دادن فرزند عمل نموده‌اند و فرزندان شایسته‌ای را پرورش داده به جامعه تحویل دادند، فراوانند و در اینجا به‌خاطر محدود بودن فرصت به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم. مادر ابراهیم خلیل^(ع) از جمله مادرانی است که با تمام تلاش در حفظ و تربیت فرزندش، بدور از شهر و خانه کوشید تا هم جان او را از گزند دشمن نگهدارد و هم وی را به‌خوبی پرورش دهد. نطفه ابراهیم، در زمان حکومت استبدادی نمرود در رحم مادر منعقد شد و به‌صورت غیرطبیعی دوران جنینی را سپری کرد و زمانی که به دنیا آمد، مادرش برای مصون ماندن ابراهیم، او را بیرون از شهر در غاری پنهان ساخت.

مادر، هرروز مخفیانه به دیدن فرزند می‌رفت و او را در آغوش کشیده با یاد و نام خدا به او شیر می‌داد. ابراهیم رشد غیرطبیعی داشت، یک روز به اندازه یک ماه و یک ماه به میزان یک سال کودکان عادی بزرگ می‌شد تا اینکه کم‌کم به راه افتاد.

روزی دامن مادر را گرفت و گفت مرا همراه ببر، ولی مادر هر روز به بهانه‌ای او را از خود جدا می‌کرد و به خانه نمی‌آورد. وقتی ابراهیم به رشد فکری و عقلی رسید و از اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی اطلاع یافت، فهمید که مادرش در پنهان داشتن حق داشته و خود نیز سعی می‌کرد تا از چشم دیگران مخفی بماند. این زحمات مادر ابراهیم، زمینه انقلاب دینی و الهی او را فراهم ساخت. وقتی ابراهیم از غار بیرون آمد و وارد شهر گردید، بلافاصله به هدایت مردم پرداخت و یکی از انبیای بزرگ خدا شد که نامش در طول تاریخ ماندگار و تاقیامت باقی خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۸۷).

۳-۳. مادر تکیه‌گاه روانی - عاطفی فرزند

رابطه عاطفی مادر و کودک به اندازه‌ای به هم وابسته است که زندگی آن دو بدون دیگری زیان‌های غیرقابل جبران برای هریک به دنبال دارد. از سویی، فرزند میوه دل و کمال وجودی مادر و منشأ امید و نشاط زندگی او به حساب می‌آید. تبسم و لبخند کودک چنان بر وجود مادر اثر می‌گذارد که گویی تمام عشق و علاقه‌اش را در وجود او می‌بیند و با شیره جان به تغذیه وی پرداخته، جسم و روح او را پرورش می‌دهد. از سوی دیگر، مادر مایه تحول و رشد و بالندگی کودک است. اگر مادر نباشد، کودک بی‌مادر مانند جوجه‌ای شکسته‌پر، بی‌روح و بی‌رمق و پژمرده حال است. چنین کودکی، آن طراوت و جذابیت را که لازمه یک کودک شیرخوار است، ندارد. وجود مادر برای کودک مایه دلگرمی و پشتوانه عظیمی برای اوست که خود را کاملاً متکی به وی می‌بیند. چون مادر مظهر مهر و محبت و عامل نشاط و تعادل روحی و روانی کودک می‌باشد و با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. هیچ محبتی چون محبت مادر بادوام نیست و هیچ خشمی هم چون خشم مادر زودگذر و آمیخته به مهر نیست (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۹۰). اگر مادر قهر کند، قهر او همراه با مهربانی و عطف و نوازش است. از این رو است که هیچ‌گاه فرزند از مادر، دلسرد و گریزان نمی‌شود، بلکه هر جا باشد مادر را مطمئن‌ترین پناهگاه خود احساس می‌کند و به سوی او روان است.

رفتار توأم با عواطف و احساسات فاطمه زهرا^(س) با فرزندانش حسن^(ع) و حسین^(ع) نمونه کامل از اظهار محبت و عشق پاک به کودک است. هرگاه فاطمه^(س) می‌خواست با کودکانش بازی کند، آن‌ها را سردست بلند می‌کرد و در هوا می‌چرخانید و اشعاری را زمزمه می‌نمود که بیانگر مهر و علاقه مادری است. او خطاب به فرزندش حسن^(ع) می‌فرمود:

أشبه إِبَاكَ يَا حَسَنَ وَأَخْلَعَ عَنِ الرَّسَنِ
وَأَعْبُدَ إِلَهًا ذَا مَنَنْ وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْاَحَنِ
حسن جان مانند پدرت باش، حق را صریح بیان کن و خدای منان را عبادت کن
و با کینه‌توز، دوستی مکن.

همچنین فاطمه^(س) با فرزندش حسین^(ع) نیز می‌فرمود:

أَنْتَ شَبِيهٌ بَابِي لَسْتُ شَبِيهًا بَعْلِي
تو شبیه پدرم هستی، نه شبیه علی^(ع) (بحار، ج ۴۳، ص ۲۸۵).

۳-۴. مادر و پرورش حس مذهبی فرزند

کودک، دارای احساسات پاک و بدون آلاشی است که از حین تولد به همراه دارد و به تدریج رشد می‌کند و خود را نشان می‌دهد. حس و هیجان در کودک علائم و نشانه‌های خاص خود را دارد که به ندرت می‌توان آن را در بزرگسالان یافت. احساس و هیجان کودک سریع و زودگذر است، ولی به تدریج در اثر رشد و تکامل فهم کودک و افزایش کنترل رفتار، عمق و دوام هیجان‌ها نیز زیاد می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰).

احساس کودک به موازات افزایش سن وی به‌سوی تمرکز و ثبات پیش می‌رود و از وابستگی به استقلال و خوداتکایی روی می‌آورد. در حدود پنج‌سالگی زندگی هیجانی او ثبات و استقرار می‌یابد و با عالم خارج ارتباط پیدا می‌کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۴۴۳). ادراک حسی کودک تحت تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی قرار می‌گیرد و از این‌رو، نقش اطرافیان و تعلیم و تربیت در چگونگی شکل‌دهی و هدایت آن قابل دقت و توجه است. اگر احساس کودک به سمت وسوی حق و حقیقت جهت‌دهی شود،

تأثیر مطلوبی در ایمان مذهبی وی خواهد داشت و او در زندگی فردی و اجتماعی خود مسیر درستی را انتخاب خواهد کرد.

اسلام به تمام ابعاد وجود انسان توجه دارد و از همه جنبه‌ها می‌خواهد او را بسازد و پرورش دهد تا به سعادت واقعی خود نائل گردد. پرورش عقل و اندیشه، تقویت اراده و شکوفاسازی استعدادهای درونی انسان مورد عنایت اسلام بوده و هست. به‌ویژه پرورش حس حقیقت‌جویی و علم‌طلبی، رشد عواطف اخلاقی و از همه مهم‌تر پرورش حس پرستش و تعب مورد توجه عمیق اسلام است و در این زمینه دستورات و راه‌کارهای بسیاری ارائه داده است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۵).

یکی از پایدارترین تجلیات روح آدمی که اصیل‌ترین بعد وجودی انسان است، حس نیایش و پرستش است. این حس از ابتدا با انسان هست و به فرموده رسول خدا (ص): «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ»؛ هر نوزادی با فطرت الهی و حس خداجویی و گرایش به پرستش به دنیا می‌آید؛ «وابواه يَهُودَانَهُ وَيَنْصَرَانَهُ وَيَمَجَّسَانَهُ» (بی‌هقی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۲۰۲)؛ اما پدر و مادرش او را به کیش یهودیت و نصرانیت یا مجوسیت می‌کشانند. همان‌گونه که از این کلام پیامبر اکرم (ص) استفاده می‌شود، مادر نقش بسزایی در تربیت اولاد و پرورش حس مذهبی آنان دارد و او می‌تواند با استفاده از مهر و محبت مادری، فرزندش را در مسیر صحیح دینی هدایت کند و فطرت دینی و حس خداجویی را در او تقویت نموده وی را به سوی عبادت و پرستش خدای تعالی سوق دهد. توجه به عملکرد و رفتار تربیتی مادران اسوه و نتایج تلاش‌های پرورشی آنان تعیین‌کننده خط‌مشی و تشویق زنان مسلمان به اهتمام ورزیدن در امر تربیت دینی فرزندان است.

هاجر، همسر ابراهیم خلیل (ع)، زنی است پارسا و مؤمنه و خودساخته که خداوند فرزندی به نام اسماعیل به او داد و تربیت او را به تمام معنا به عهده وی نهاد. خدای متعال آن مادر و فرزند را در بیابان «لَمْ يَزَعْ» و بیابان خشک مکه رها ساخت. تنها هاجر بود و کودک خردسالش که از شدت تشنگی و گرسنگی به خود می‌پیچید و گریه و ناله سر می‌داد. نه مادر، شیر داشت که به او بدهد و نه آبی میسر بود تا وی را



سیراب سازد. هاجر برای جست‌وجوی آب به هر طرف می‌رفت، گاه بالای کوه مروه و گاه بالای کوه صفا، ولی هیچ آبی نمی‌دید. می‌آمد اسماعیل را در آغوش می‌گرفت و قلب و روح کودک را از مهر و محبت مادری آرام می‌کرد و به او دل‌داری و اطمینان می‌داد. هاجر به خاطر حفظ جان فرزندش، رنج‌ها و سختی‌های فراوان متحمل شد و برای نجات او از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. وقتی از همه جا ناامید شد، روی شن داغ نشست؛ دو رکعت نماز خواند، دست به دعا برداشت و از خدا مدد و کمک طلبید. هنوز دعای هاجر به اتمام نرسیده بوده آب زلالی از زیر پای اسماعیل به جریان افتاد (بنت الشاطی، بی‌تا، ص ۲۶).

هاجر با تکیه به کمک‌ها و امدادهای الهی فرزندش اسماعیل را در سرزمین تنهایی تربیت کرد و حس خداجویی او را به گونه‌ای پرورش داد که وقتی پدرش ابراهیم به او فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى» (صافات، ۱۰۲)؛ پسر من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ در جواب گفت: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.

۳-۵. مادر و تربیت اخلاقی فرزند

کودک چگونگی برخورد با دیگران و نحوه رفتار با آنان را از اطرافیان و کسانی که با آن‌ها سروکار دارد، یاد می‌گیرد. به این دلیل که بخش اعظم یادگیری کودک از راه مشاهده انجام می‌گیرد و او با دیدن رفتار نزدیکان از آن‌ها تقلید نموده، همانندسازی می‌کند و سعی دارد حرکات و رفتار خود را با آنان منطبق سازد. بر این اساس، تقلید از الگوهای خاص، نقش اساسی در یادگیری کودکان دارد. تجربه هم نشان داده است که نیروی حسی کودک، بیش از دیگر قوای او فعال می‌شود و به تصویربرداری از صحنه‌های زندگی می‌پردازد. دیدگان کودک همانند دوربین عکاسی از تمام منظره‌های پیرامون خود تصویربرداری می‌کند و به خزانه ذهنی می‌سپارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۹۵). این تصویرهای ذهنی در خزانه ذهن کودک انباشته می‌شود و به تدریج در رفتار او ظهور بروز می‌یابد و سراسر زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از میان اطرافیان، مادر بیش‌ترین نقش را در شکل‌دهی رفتار کودک دارد؛ چراکه او بیش از همه با فرزند به سر می‌برد و تأثیر عاطفی- روانی بیشتری بر او می‌گذارد. کودک هم به دلیل اُنس و علاقه فوق‌العاده با مادر، به تمام معنا به او اعتماد داشته و رفتارهای وی را درست تلقی نموده، از آن الگو برمی‌دارد. صداقت و راست‌گویی، وفا و تعهد، امانت‌داری، محبت و مهربانی و امثال آن را کودک از اعضای خانواده، به‌ویژه مادر می‌آموزد و فرامی‌گیرد. مادر می‌تواند با استفاده از ارتباط عمیق روحی و عاطفی خود با کودک، ارزش‌های اخلاقی را به او عرضه داشته، انطباق با آن‌ها را از او بخواهد. اگر مادر خود صادق بود و در تمام کارها، صادقانه رفتار کرد و سخنی برخلاف واقع نگفت و فرزند را هم تشویق به آن نمود، صفت راست‌گویی را در او نهادینه کرده و ارزش صداقت در گفتار و رفتار را در قلبش مستقر ساخته است. مادر باید از طریق تمرین و تشویق گرایش به پذیرش ارزش‌های اخلاقی در کودک به وجود آورد و او را در این مسیر نگهدارد.

مادر حاتم طائی از جمله مادرانی است که ارزش‌های اخلاقی را به فرزندش آموخت و او را به جود و سخاوت مفتخر ساخت. طبق شواهد تاریخی، حاتم طائی صفت نیک بخشش و جوان‌مردی را از مادرش فراگرفت. مادر حاتم زنی بود که چیزی را نگه نمی‌داشت و هرچه به دست می‌آورد به نیازمندان می‌داد. برادران او به‌شدت با این کارش مخالفت می‌کردند. آنان مال و دارایی خواهر را گرفتند و چیزی در اختیارش نگذاشتند. مدتی بدین منوال گذشت، سپس شتری از شتران خواهر را در اختیارش قرار دادند. زنی از قبیله هوازن که هر سال یک‌بار می‌آمد و سهم خود را از او دریافت می‌کرد، این بار نیز نزد او آمد و درخواست کمک کرد. مادر حاتم گفت: جز این شتر چیز دیگری برایم نمانده است. او آن شتر را به آن زن داد و اظهار داشت: حتی اگر از گرسنگی بمیرم، راضی نیستم بیچاره‌ای را از خانه‌ام ناامید سازم (بن‌الشاطی، بی‌تا، ص ۲۲). رفتار سخاوتمندانه مادر، در ذهن و قلب حاتم نهادینه شد و سراسر وجودش را تحت تأثیر قرار داد و او بر این صفت پسندیده شهرت یافت. هنگامی که دخترش به‌عنوان اسیر نزد پیامبر اسلام^(ص) برده شد، حضرت به خاطر سخاوتمندی

پدرش او را احترام کرد و آزاد ساخت (بنت‌الشاطی، بی‌تا، ص ۲۲).

۳-۶. مادر و پرورش عزت نفس فرزند

عزت نفس و بزرگ‌منشی از صفات برجسته انسانی است که هر فردی سعی دارد آن را هم در خود و هم در فرزندان و نزدیکانش ایجاد و تقویت نماید. عزت نفس به معنای قوت و قدرت و ارجمندی، حالتی است در انسان که ریشه در فطرت بشر دارد و نمی‌گذارد کسی در فراز و نشیب‌های زندگی احساس شکست کند یا مغلوب هوا و هوس گردد. در اینجا منظور از عزت نفس، شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت واقعی خود است (حسینی، ۱۳۷۴، واژه «تربیت»). تقویت عزت نفس به این معنا در شمار اصول تعلیم و تربیت است که مربی باید در مقام تربیت بدان توجه کند. زیرا نادیده انگاشتن عزت فرد به تکبر و غرور مرتبی یا به ضعف نفس او منجر می‌گردد که هر کدام پیامدهای نامطلوب تربیتی را به همراه دارد.

عزت، به معنای حقیقی خود مخصوص خدا، پیامبر و مؤمنان به اسلام و قرآن است که خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸)؛ عزت مخصوص خدا و پیامبر و مؤمنان است. در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (یونس، ۶۵)؛ همه عزت‌ها از آن خداست. عزت، یعنی شکست‌ناپذیری و قدرت و صلابت از ویژگی‌های کسانی است که نور ایمان در قلوب‌شان تابیده و در برابر تحولات و حوادث، کوچک‌ترین تزلزلی از خود نشان نمی‌دهند. زیرا انسان در اثر ایمان به خدا و پیامبر^(ص) از آن عزتمندی واقعی بهره‌مند گشته، در سایه ایمان و تقوا با کمال آرامش و اطمینان خاطر زندگی می‌کنند. چنین صفتی را از زمان کودکی باید در فرزندان ایجاد کرد و آن‌ها را با آن خصلت پرورش داد. چنان‌که انبیا و بزرگان دین از کودکی عزت و شجاعت و بزرگواری را آموختند و در مواقع لازم از آن بهره گرفتند. داستان کودکی و رشد ابراهیم خلیل^(ع) در غار و آموختن صفات پسندیده از مادر و دریافت وحی و دیدن ملکوت آسمان و زمین بهترین گواه بر این امر است. چون آن حضرت در اثر صلابت و قوت نفسانی و مبارزه در برابر بت‌پرستان، به‌عنوان اسوه حسنه معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۷۷).

به فرمود علامه طباطبایی: دستگاه آفرینش به گونه‌ای انسان را مجهز کرده که بتواند بدون اتکا به دیگران زندگی خود را اداره کند. ازاین‌رو، او باید نیروهای خدادادی خویش را در راه نیل به مقاصد به‌کارگیرد و به نیروی دیگران متکی نباشد. اگر چنین کرد به تدریج آن حالت عزت و استقلال در او پدید می‌آید و به زندگی آبرومندانه روی می‌آورد. هرگز به ذلت و خواری و کردار زشت تن نمی‌دهد. در این صورت است که هم زندگی دنیای او به خوبی پیش می‌رود و هم در آخرت به سعادت ابدی می‌رسد. بسیاری از ظلم و جنایت‌ها در عالم ناشی از ضعف نفس و تن دادن به پستی است که فرد حاضر می‌شود برای رسیدن به منافع مادی به هر جنایتی دست بزند. اگر کسی تاج افتخار عزت نفس را بر سر دارد، در برابر هیچ عظمتی جز عظمت پروردگار سر فرود نمی‌آورد و در مقابل هیچ خواسته‌ای زانو نمی‌زند تا کار خلافی مرتکب گردد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۸۸).

چه کسی می‌تواند، صفت عزتمندی را در کودک به وجود آورد؟ شاید هیچ‌کس به اندازه مادر نتواند خصال نیک را در فرزند پدید آورد و آن را در وی رشد دهد و شکوفا سازد. چراکه یادگیری کودک از مادر بیش از دیگران است. گذشته از گفتار، رفتار مادر نیز برای فرزند آموزنده و اثربخش است. به نظر می‌رسد، رفتار مادر بیش از گفتار در پرورش عزت نفس کودک اثر دارد و ازاین‌رو، او نباید کارهایی انجام دهد که با عزت فردی و خانوادگی اش منافات داشته باشد. ناگفته پیداست که رفتارهای پست و دون شأن یک مادر مسلمان در محیط خانه و مشاهده آن به وسیله کودکان، آن‌ها را به همان مسیری که پدر و مادر به آن سو می‌روند، سوق خواهد داد.

امام علی^(ع) در سفارش‌های تربیتی‌شان به امام حسن مجتبی^(ع) به عزت نفس و اهمیت آن در زندگی اشاره می‌کند: «وَأَكْرِمِ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبَةٍ وَإِنْ سَأَقَتْكَ إِلَى الرِّغَايِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ کرامت و عزت نفس خود را از هرگونه پستی بالاتر بدار، اگرچه تو را به آنچه میل داری برساند؛ زیرا تو در برابر آنچه از شرف خود از دست می‌دهی، عوض نخواهی گرفت. این بیان امام^(ع) به اهمیت عزت نفس و زیان‌های ناشی از ذلت‌پذیری و تن

دادن به پستی و خواری اشاره دارد که در صورت عبور از عزتمندی و اتکا به دیگران، دست آورد انسان به مراتب کمتر از آن چیزی خواهد بود که از دست می‌دهد. زیرا هیچ چیزی بالاتر از ارزش آبرو و حیثیت انسان نیست که با رفتن به در خانه این‌و آن لکه‌دار می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله گفته شد، ضمن پاسخ به پرسش‌های مطرح در آغاز تحقیق به نکات مهمی در مورد نقش تربیتی مادر رهنمون ساخت که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. معلوم گردید که مادر یگانه تکیه‌گاه فرزند است و او می‌تواند در تمام دوره‌های زندگی از کودکی تا بزرگسالی از هدایت‌های مادر در جهت رسیدن به اهداف روحی و معنوی بهره‌بردار. نقش‌آفرینی‌های مادر در دوره جنینی روشن است و او در این دوره حساس با مراقبت از خود و بچه زمینه رشد جسمی و معنوی وی را فراهم سازد. همچنین در دوره کودکی تنها همراه دائم و مستمر فرزند مادر است و تمام اعمال و رفتار او بر چگونگی اندیشه، عواطف و عملکرد وی مؤثرند. یک مادر آگاه به مسائل تربیتی و روش‌های صحیح پرورش فرزند قادر است سعادت دنیا و آخرت فرزند را تأمین کند.

آشکار شد که سیره عملی اهل‌بیت^(ع)، مخصوصاً زندگی فاطمه زهرا^(س) و فعالیت‌های تربیتی او در پرورش اولاد و زیردستانشان مانند فضه خادمه، بهترین الگو و سرمشق در تربیت فرزند است. مادران زیادی از گذشته تاکنون وجود داشته و دارند که با تاسی به سیره عملی و سخنان معصومین^(ع) و به‌ویژه فاطمه زهرا^(س) بهترین فرزندان را تربیت و تحویل جامعه انسانی داده‌اند. درنهایت وظایف مادران در تربیت فرزند بسیار مهم و سنگین است و امید می‌رود که آن‌ها به این وظیفه مهم توجه و بهترین راه و روش را در امتثال آن پیموده و با پرورش اولاد صالح هم آینده خانواده و هم آینده جامعه دینی و اسلامی را بیمه کنند. هرگاه مادران فرزندان صالح و دین‌مدار تحویل جامعه دهند، طبعاً دشمنان اسلام نمی‌توانند کمترین آسیبی به اسلام و

جامعه اسلامی برسانند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آملی، سید حیدر، (۱۴۱۴)، تفسیر المحيط الاعظم، تحقیق سید محسن موسوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ابن شعبه، الحرانی، (۱۳۷۶)، تحف العقول عن آل الرسول، تهران: مکتبه الصدوق.
۳. حسن الزیارت، احمد و همکاران (۱۳۸۷)، المعجم الوسيط، تهران: صادق.
۴. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۲) تربیت، قم: بوستان کتاب.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۹)، الصحيح البخاری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. بنت الشاطی، آمنه، (بی تا)، ترجمه حسین اژدری آزاد، کتابفروشی اتروپات، بی جا.
۷. بیج، زیموند، ما و فرزندان ما، (۱۳۲۸)، ترجمه منیرمهران، تهران: امیرکبیر.
۸. بیهقی، احمد، (۱۴۲۴)، السنن الکبرا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. تاج‌لنگرودی، محمد مهدی، (۱۳۷۵)، اخلاق حضرت فاطمه (س)، دفتر نشر ممتاز.
۱۰. جلالی، مهدی، (۱۳۵۶)، روان‌شناسی کودک، تهران: امیرکبیر.
۱۱. جمعی از پژوهشگران، (۱۳۷۹)، گلشن ابرار، قم: نشر معروف.
۱۲. حجتی، محمدباقر، (۱۳۷۰)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. حرالعاملی، محمد، (۱۴۱۲)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. حسینی، سید مصطفی، (۱۳۷۶)، معارف، انتشارات صدر.
۱۵. دشتی، محمد، (۱۳۸۱)، مسؤولیت تربیت، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۲)، روانشناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. شیرازی، علی، (۱۳۹۴)، زنان نمونه، قم: بوستان کتاب.

۱۸. عطاران، محمد، (۱۳۷۱)، آرای مربیان بزرگ مسلمان، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (بی تا)، خلاصه تعالیم اسلام، به کوشش داود الهامی، تهران: انتشارات کعبه.
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. قائمی، علی، (۱۳۷۱)، نقش مادر در تربیت، تهران: انتشارات امیری.
۲۲. قربانی، زین العابدین، (۱۳۷۴)، اخلاق تعلیم و تربیت، قم: انصاریان.
۲۳. قزوینی، محمدکاظم، (۱۴۱۵)، فاطمه من المهد الی اللحد، بیروت: دار الزهراء.
۲۴. کریمی نیا، محمدعلی، (۱۳۷۷)، الگوهای تربیت اجتماعی، پیام مهدی.
۲۵. کلینی، محمد، (۱۴۱۳)، فروع کافی، بیروت: دار الاضواء.
۲۶. گلیرت، مارگرت شی، (۱۳۴۷)، بیوگرافی پیش از تولد، ترجمه محمود بهزاد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۱)، حلیة المتقین، قم: انتشارات عصر ظهور.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۱)، منتخب میزان الحکمة، قم: دار الحدیث.
۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۳۱. مقرر، سید عبد الرزاق، (۱۳۸۰)، مقتل الحسین، تهران: کتاب شناسی تاریخی امام حسین (ع).
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم: مطبوعاتی هدف.